

Systematic approach to logic of definition

Sayyed Ali Jafarian Kheyrabadi

Dehzar Rostami

Sayyed Majid Zahiri

Abstract

The systematic logic is a framework of thought that doesn't have the breaks of Aristotelian logic of definition. Considering the problems of the logic of definition, this research tries to investigate the systematic logic in the matter of definition. The real definition must be found in a network of various approaches and this research has dealt with the circumstance of systematic attitude to the logic of definition using library method and descriptive-analytic approach. The main question is "what is the way of the systematic definition"? The result is that the definition is a network of necessary approaches for the knowledge in connected aspects. Each of the approaches clarifies one aspect of unknown conceptual and based on this attitude the real definition is examined in the three verbal, conceptual, and instance levels which in fact is considered as a new model for identification.

Keywords: Definition, systematic approach, system, systematic attitude.

نگرش سیستمی به منطق تعریف

سید علی جعفریان خیرآبادی^۱

ده زار رستمی^۲

سید مجید ظهیری^۳

چکیده

منطق سیستماتیک چهارچوب فکری است که گسست‌های منطق تعریف ارسطویی را همراه ندارد و با جایگزینی آن در تعریف و تغییر نوع نگاه می‌توان به گونه‌ای مطلوب‌تر به تعاریف لفظی و حقیقی پی برد. این نوشتار با آگاهی از معضلات منطق تعریف، می‌کوشد رویکرد منطق سیستماتیک را در مبحث تعریف بررسی کند. تعریف حقیقی را باید در شبکه‌ای از رویکردهای گوناگون پیدا کرد که این نوشتار به چگونگی نگرش سیستمی در منطق تعریف با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی پرداخته است. پرسش اصلی این است که روش تعریف سیستمی چیست؟ «تفکر سیستمی» به‌عنوان یک روش منطقی کارآمد می‌تواند پاسخ این پرسش باشد. نتیجه آن که تعریف، شبکه‌ای از رویکردهای لازم برای شناخت در جوانب به‌هم‌پیوسته است؛ هر یک از رویکردها، زاویه‌ای از مجهول تصویری را روشن می‌کند و بر پایه این نگرش، تعریف حقیقی در سه سطح لفظی، مفهومی و مصداقی بررسی شده که در واقع الگویی نوین برای تعریف به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: تعریف، رویکرد شبکه‌ای، سیستم، نگرش سیستمی.

۱. دانش پژوه سطح چهار حوزه علمی خراسان و دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب، مشهد مقدس.

(نویسنده مسؤل) alikhayrabadi@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه مازندران. rostami@gmail.com

۳. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. m.zahiri@isca.ac.ir

منطق، ابزاری است که اگر به کار گرفته شود، بازدارنده خطای ذهن است. ابن سینا با تقسیم منطق به دو بخش تصور و تصدیق در پی روشن کردن مجهولات تصویری و تصدیقی بوده است؛ از این رو نظریه تعریف و حجت را پدید آورده است. شناخت پدیده‌ها بر پایه منطق، تنش‌های لفظی و مفهومی را کاهش می‌دهد. از سویی منطق تعریف ارسطویی نتوانسته است منازعات و مشکلات را حل و فصل کند و به اعتراف منطق دانان با چنین رویکردی نمی‌توان ابزار شناخت تعاریف حقیقی را تولید کرد. (سهروردی، ۱۳۹۷، ص ۲۰-۱۹) همچنین ذات‌نگری، تکیه بر اصل ثبات و روی‌گردانی از اصل تغییر، ندیدن ارتباط میان دیگر پدیده‌ها، مواجهه با شیء برای یافتن اوصاف کلی، امکان تعریف بسیاری از موجودات را از این علم سلب کرده است.

در این شرایط، نگرش سیستمی^۱ می‌تواند راهی نوین پیش روی ما بگشاید. این تحقیق، راهبردی برای حل مشکلات منطق تعریف است و نتیجه آن، اثبات رویکردی نوین به تعریف متناسب با فلسفه اسلامی است. این نگرش یک سیستم پیچیده می‌باشد که در ایجاد افق جدید اثرگذار است.

تفکر سیستمی شناخت ما را از محیط و اتفاقات و رویدادهای ریزودرشت و پیچیده اطراف، کامل‌تر خواهد کرد، در نتیجه می‌توانیم تصمیمی بهتر و رفتاری مناسب‌تر داشته باشیم. هدف نظریه سیستمی به وجود آوردن چهارچوب نظری منظمی برای روابط عمومی جهان تجربی و کشف چگونگی روابط و کنش‌های متقابل در انواع گوناگون رویکردها است. (علاقه‌بند، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴) با توجه به هدف نگرش سیستمی و پیاده‌سازی آن در مبحث تعریف، می‌توان از مجهول، شناخت کامل‌تری به دست آورده و در نتیجه اثرگذاری بهتر بر مخاطب داشته باشیم. شناسایی مؤلفه‌های مهم و اثرگذار و فهم رابطه‌های میان اجزاء،

۱. مطالبی که در این بخش بیان می‌شود از مباحث مدیریت سیستمی در کتاب‌ها و مقالات گوناگون الهام گرفته شده است. این بخش صرفاً فرضیه‌موجهی است که سعی دارد منطق تعریف را با تفکر سیستمی بررسی کند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به کتاب نگرش سیستمی عبدالحمید واسطی؛ تجزیه و تحلیل سیستم‌ها، شمس السادات زاهدی و رویکرد تفکر سیستمی استیو هینز؛ ترجمه رشید اصلانی.

از موارد مهم تعریف سیستمی است.

این جستار، منطق تعریف را به روش جمع آوری اطلاعات اسنادی (کتابخانه‌ای) و تحلیل توصیفی با رویکرد نگرش سیستمی بررسی کرده که بی سابقه می‌باشد. فرضیه تحقیق، ضرورت نگرش سیستمی به تعریف با رویکرد تحلیلی در سه مرتبه لفظ، مفهوم و مصداق است.

۱- مفاهیم پایه

۱-۱- مفهوم‌شناسی سیستم

سیستم، مجموعه‌ای از اجزاء به هم وابسته است که از وابستگی حاکم بر اجزای خود کلیت جدید را احراز کرده؛ از نظم و سازمان خاصی پیروی می‌نماید و در جهت تحقق هدف معینی که دلیل وجودی آن است، فعالیت می‌کند. کلیت، روابط منظم میان اجزا و وجود هدف، سه خصلت اساسی سیستم است. به بیان دیگر زمانی که این سه مشخصه اساسی کنار یکدیگر قرار گیرند، اطلاق واژه «سیستم» به هر موجودیتی ممکن می‌شود. (زاهدی، ۱۳۹۴، ص ۱؛ رضاییان، ۱۳۸۰، ص ۲؛ سیادت و ربانی، ۱۳۸۱، ص ۲۴)

اجزاء سیستم با نظم خاصی کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و همه بخش‌های منطق، اعم از حجت، تعریف، موجهات برهان، جدل و ... سیستم هستند. این نگرش، آمیزه‌ای نوین از روش‌های قیاس و استقراء است که می‌تواند ضمن دارا بودن محاسن هر دو، فاقد عیوب آنها باشد. در نگرش سیستمی کلیت پدیده و نیز ارتباط میان اجزاء تشکیل دهنده، مورد توجه قرار می‌گیرد و تنها به بررسی رفتار اجزا بسنده نمی‌شود؛ زیرا وجود کل با مجموعه تک تک اجزا متفاوت است و توجه به ارتباطات و تغییرات کنش و واکنشی اجزاء را الزامی می‌سازد (رضازاده، ۱۳۹۵) این نظریه، راه حلی برای بحران علمی گفتگو میان دانشمندان علوم مختلف است و ابزار و زبان مشترکی برای پیوند میان علوم مختلف فراهم می‌آورد. (مرعشی و همکاران، ۱۳۸۵).

۲-۱- پیدایش و ویژگی‌های تفکر سیستمی

ارسطو، افلاطون، ابن خلدون، مولوی، لایب‌نیتس، هگل و هرمان هسه از جمله دانشمندانی هستند که به مفهوم سیستم توجه داشته‌اند. لودویگ فون برتalanفی (۱۹۷۲ - ۱۹۰۱ میلادی) زیست‌شناس و فیلسوف اتریشی، واضح نظریه سیستمی به صورت مدون و علمی است. (جکسون، ۲۰۰۳: ۳)

ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تفکر سیستمی به شرح ذیل است:

۱. یک سیستم در ارتباط با محیط اطراف و یک کل بزرگ‌تر مطالعه و تجزیه و تحلیل می‌شود، نه به صورت کلی.
۲. تفکر سیستمی ابتدا به توصیف کلی می‌پردازد و به تدریج به سوی جزئیات پیش می‌رود.
۳. تفکر سیستمی بر فرآیندهای دینامیکی تأکید دارد و عوامل اثرگذار بر پدیده‌ها و چگونگی تأثیرات را بررسی می‌نماید.
۴. در تفکر سیستمی روابط میان متغیرها یک‌طرفه نیست؛ بلکه هر متغیر، افزون بر تأثیر بر متغیرهای دیگر، موجب تغییر خود نیز می‌شود.
۵. تفکر سیستمی، عوامل کنترل، موازنه‌ها و فرآیندهای مهارنشده بالقوه سیستم را شناسایی می‌کند و همچنین تأثیر فرآیندهای مهارنشده را بر سیستم بررسی می‌نماید. (قبادی، ۱۳۹۵، ص ۲۷)

۳-۱- ضرورت نگرش سیستمی در تعریف

رویکرد منطق ارسطویی (روش مکانیکی) در مسائل، تجزیه‌مدار است و گزاره‌های آن مبتنی بر ذات‌گرایی است. این روش با شکستن و تجزیه پدیده‌های بسیار پیچیده به اجزاء ساده‌تر، رفتار آن‌ها را به طریق علمی و مکانیکی بیان می‌کند، اما در توجیه و تشریح رفتار پدیده‌های پیچیده ناکارآمد است؛ زیرا وقتی پدیده‌ها به سطح معینی از پیچیدگی می‌رسند، خواصی بروز می‌دهند که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن‌ها را با توجه به رفتار اجزاء ساده‌تر، پیش‌بینی نمود. این رویکرد مشکلاتی برای منطق پدید آورده است، چنان‌که به اعتراف منطق‌دانان،

مبحث تعریف، ناکارآمد است و با این روش تفکر، بسیاری از مفاهیم بسیط قابل تعریف حقیقی نیستند. بنابراین به کار بردن نگرش سیستمی که به مسائل جامع و نظام مند نگاه می کند (زاهدی، ۱۳۹۴) در حوزه تعریف ضرورت دارد. با رویکرد سیستمی می توان روش اصولی برای تعریف به دست آورد که در آن، ذاتیات شیء به تنهایی مدنظر نیست، بلکه افزون بر مقومات پدیده ها، در پی شناخت پیوند میان آنها نیز می باشد.

در تعاریف سیستمی تأکید بر چند مؤلفه بیرونی و درونی ضروری است.^۱ تعاریف سیستمی باید انسجام درونی و بیرونی داشته باشند؛ انسجام درونی، پیوند و تعهدی است که اجزای یک تعریف با هم دارند و انسجام بیرونی، هماهنگی باورهای مرتبط و اثرگذار با این تعریف می باشد. (مرعشی و همکاران، ۱۳۸۵)

۱-۴- مؤلفه های سیستم

در روش مکانیکی عقیده بر این است که با شناخت اجزاء می توان به ماهیت و ویژگی های آن پی برد. در این بینش، روابط میان اجزای موضوع یا شیء، مطالعه نمی شود (بنی اسدی، ۱۳۸۵، ص ۲۸)، اما در تفکر سیستمی مسائل به صورت جامع و نظام مند دیده می شوند. (زاهدی، ۱۳۹۴) تفکر سیستمی توانایی تفکر در مورد یک سیستم به صورت کل و نه اجزای جداگانه است. تفکر سیستمی این جهان را به صورت یک کل مشاهده کرده و به درک وابستگی و ارتباطات آن کمک می کند. (بهل و فریرا، ۲۰۱۴، ص ۱۰۵) مهم ترین دلیل پیدایش نگرش سیستمی، پیچیدگی مسائل اجتماعی عصر جدید، نارسایی و عدم کارایی برخوردهای تحلیلی و مکانیستی با این مسائل می باشد.

۲- ارتباط

برای شناخت یک سیستم تنها وجود اجزاء و عناصر کافی نیست، بلکه باید یک ارتباط منطقی و مناسب میان این اجزاء برقرار شود تا سیستم شکل گیرد و عمل کند. اگر اجزاء یک

۱. هر سیستم دارای مؤلفه های درونی و بیرونی است در این گفتار سعی شده مؤلفه های تعریف سیستمی با نگاهی بر مدیریت سیستم بررسی شود.

سیستم تعامل نداشته نباشند، یک توده خواهند بود نه سیستم. ویژگی اصلی هر سیستم، تعامل متقابل اجزاء آن می‌باشد نه عملکرد مستقل اجزاء. (بنی اسد، ۱۳۸۵، ص ۳۲) اگر ارتباط، درونی باشد، باید اجزاء نسبت به یکدیگر سنجیده شوند و اگر ارتباط، بیرونی باید متغیرها و محیط ملاحظه شود.

اگر بخواهیم تعریف سیستمی از پدیده‌های اطراف ارائه دهیم، باید افزون بر نگاه به ذاتیات و عرضیات، ارتباط این شیء را با دیگر پدیده‌های نبر جهان بررسی کنیم. به‌عنوان نمونه برای تعریف انسان نباید به حیوان ناطق اکتفا نمود، بلکه باید ارتباط انسان با دیگر موجودات، هستی و خداوند را نیز مدنظر قرار داد.

۲-۱- محیط سیستم

محیط سیستم را عواملی خارج از سیستم تشکیل می‌دهد. شناسایی محیط و عوامل محیطی معمولاً به‌سادگی انجام نمی‌گیرد؛ زیرا مرز سیستم با محیط، مرزهای ظاهری آن نیست، محیط، عوامل و اشیائی را دربرمی‌گیرد که در رابطه خود با سیستم، مؤثر و غیرقابل تغییر هستند (مختاری، ۱۳۸۸) در واقع محیط سیستم، زمینه‌ای است که سیستم درون آن قرار می‌گیرد و با توجه به این زمینه به بررسی سیستم پرداخته می‌شود.

برای تعاریف اشیاء و پدیده‌های عالم توجه به این نکته مهم است که هر شیء به‌حسب خود، محیطی دارد و باید بر اساس آن محیط تعریف شود. محیطی که برای پدیده‌ها تعریف می‌شود، محیطی فرضی است؛ به‌عنوان مثال گاهی انسان را در چهارچوب اسلام تعریف می‌کنید که در اینجا محیط بررسی انسان، گزاره‌های اصلی این دین است و گاهی انسان را در محیط انسانیت و به دور از دین بررسی می‌کنید که در این صورت محیط تعریف انسان، گسترده‌تر شده و بر اساس مبانی اخلاقی فراگیر تعریف خواهد شد.

۲-۲- شناخت متغیرهای اصلی

متغیرهای اصلی به‌عنوان نقطه ثقل یک سیستم، عناصری هستند که بیشترین توجه را به خود جلب کرده و جهت‌گیری اصلی جریان را تشکیل می‌دهد. در تعریف یا ساخت،

نمی‌توان همه متغیرها را لحاظ کرد. پیش از تعریف ابتدا باید غایت تعریف مشخص شود و سپس بر اساس آن متغیرهای اصلی و فرعی مشخص شده و سپس تعریف انجام پذیرد. به‌عنوان نمونه تعریف انسان در پزشکی با تعریف آن در انسان‌شناسی الهی متفاوت است، طبیب به دنبال درمان بدن انسان است؛ از این‌رو متغیر اصلی او بدن عنصری انسان می‌باشد، ولی در انسان‌شناسی فلسفی، متغیر اصلی، روح انسان است؛ از این‌رو بر این اساس، دو تعریف کاملاً متفاوت می‌توان ارائه داد. هر چه موضوع پیچیده‌تر باشد، شناخت آن عمیق‌تر و گسترده‌تر است. (واسطی، ۱۳۸۸، ص ۵۴)

۲-۳- روش

سیستم مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌های انجام کار است. فردی که مسئولیت تجزیه و تحلیل سیستم را بر عهده دارد باید افزون بر کل سیستم، نسبت به روش‌های موجود و شیوه‌های انجام کار نیز شناخت کافی داشته باشد و با درک ارتباط و همبستگی میان آن‌ها، نسبت به نقشی که هر یک در تأمین هدف‌های سازمانی بر عهده دارند، آگاهی یابد. (زاهدی، ۱۳۹۴، ص ۳۹-۳۷)

روش، عبارت است از یک سلسله عملیات و مراحل که برای دست یافتن به کل یا بخشی از هدف‌های یک سیستم انجام می‌شود. در هر روش، نوع کار، شخص یا اشخاصی که عملیات و وظائف مربوط را انجام می‌دهند، مراحلی که باید طی شود و شیوه‌هایی که باید به کار رود، متفاوت است. از جمله روش‌هایی که در سیستم وجود دارد می‌توان به روش استخوان ماهی اشاره کرد؛ در این روش برای شناخت ابعاد مسئله، تصویری کلی از آن در ذهن ترسیم می‌شود که با یک نگاه می‌توان به شاخه‌ها و ابعاد آن دست یافت.

۲-۴- تجزیه و تحلیل سیستم

تجزیه و تحلیل سیستم، شناخت جنبه‌های گوناگون آن و آگاهی از چگونگی عملکرد اجزاء آن به منظور دستیابی به اطلاعات بنیادین است. تجزیه و تحلیل سیستم باید به‌طور پی‌درپی انجام گیرد و وضع موجود را با آخرین تغییرات و تحولات تطبیق دهد، از آنجا که

تجزیه و تحلیل کاری پیوسته است، از مراحل آن به عنوان دور، چرخه و یا سیکل تجزیه و تحلیل یاد می شود.

تجزیه و تحلیل سیستم به ما کمک می کند تا موقعیت کنونی را به خوبی درک کنیم، از جریان کار مطلع شویم و آن را ارزیابی نماییم و برای رفع نارسایی ها و مشکلات، بهترین راه حل را انتخاب کنیم. بنابراین تجزیه و تحلیل سیستم را می توان بررسی سیستم های فرعی یا زیرسیستم های موجود در سازمان تعریف کرد که به منظور کسب اطمینان از مناسب بودن روش های جاری و ارزیابی میزان اثربخشی آن ها انجام می شود.

هدف از تجزیه و تحلیل سیستم، ایجاد اصلاح و بهبود در وضع سازمان از طریق یافتن رویه ها و روش های بهتر انجام کار است. (زاهدی، ۱۳۹۴، ص ۴)

۳- هدف

از اساسی ترین شرایط تعریف، شناخت و انتخاب هدف است. تعیین هدف به تعریف، جهت و معنا می بخشد. اگر انسان هیچ شناختی از هدف نداشته باشد، تعریفی که ارائه می دهد پوچ و بی معنا خواهد بود؛ از این رو تعاریف بر اساس هدف های گوناگون، متفاوت هستند. به عنوان نمونه تعریف انسان در روان شناسی با تعریف آن در جامعه شناسی (مبتنی بر هدف های مختلف این دو علم) متفاوت است.

تعریف سیستمی بر اساس کارآمدی بنا شده است و برای رسیدن به این هدف، شناخت عنصر اثباتی و سلبی پدیده ضرورت دارد.

۳-۱- کارآمدی

یکی از اولویت های نگرش سیستمی، کارآمدی است. تعریف در صورتی صحیح و مورد قبول است که کارآمد باشد. منطق دانان یکی از اقسام تعریف را تعریف کاربردی نام نهاده اند؛ بر این اساس اگر تعریف نتواند غرض را محقق کند، ناکارآمد است. حال با توجه به این که تعاریف حقیقی، تنها نظری و انتزاعی می باشد، کارآمد نیست.

۲-۳- شاخص پایه

شرایطی که برای تعریف ذکر شده، شاخص پایه تعاریف نام دارد. اگر شرایط وجود نداشته نباشد، تعریف رخ نمی‌دهد. شرایط عام تعریف که در کتاب‌های منطقی ذکر شده است عبارت‌اند از:

۱. معرّف نباید کلی‌تر از معرّف باشد.

۲. معرّف نباید اخص از معرّف باشد.

۳. معرّف نباید مابین معرّف باشد.

۴. معرّف باید روشن‌تر از معرّف باشد. معرّف نباید همان معرّف باشد.

۵. تعریف نباید دوری و یا مصادره به مطلوب باشد. (مظفر، ۱۴۲۶، ص ۶۰-۶۴)

شاخص پایه، عنصر حداقلی است که جهت‌گیری‌ها و جریان‌ها با توجه به آن شکل می‌گیرد و زمینه بررسی‌های تطبیقی و سطح‌بندی را فراهم می‌سازد. (واسطی، ۱۳۸۸، ص ۵۴)

۳-۳- نقطه بحران

نقطه بحران در تعاریف سنتی و سیستمی استفاده از مغالطه در تعریف است؛ زیرا استفاده از مغالطه، موجب انحراف است و با وجود آن، تعریف بی‌ثمر خواهد شد. نقطه بحران موقعیت یا جریانی است که اگر فعال شود، تعاریف از هدف خود، دور خواهند شد. (واسطی، ۱۳۸۸، ص ۶۰)

۴- تعریف حقیقی در منطق سیستماتیک

برای تعریف یک پدیده باید لفظ، مفهوم و مصداق بررسی شود تا تمام جوانب آن کشف گردد و سپس به صورت شبکه‌ای به تمام رویکردها توجه شود تا حقیقت شیء به دست آید؛ زیرا حقیقت، واحد و دارای مراتب است. (مظفر، ۱۴۲۶، ص ۷۲؛ سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۳۲-۳۳) براین اساس، هر رویکرد مقداری از حقیقت را به ما نشان خواهد داد و با جمع میان تمام رویکردها به ذات اشیاء پی می‌بریم. رابطه لفظ و زبان و خارج در دیدگاه شبکه‌ای، مثلی است و شناخت دقیق هر بخش می‌تواند بر دیگری اثرگذار باشد.

برای شناخت حقیقی باید ذاتیات بررسی شود، ولی دسترسی به مقومات شیء امکان ندارد؛ از این رو با کاوش عوارض شیء از طریق رویکرد تحلیلی و پدیدارشناسی، به سمت شناخت جنس و فصل حقیقی حرکت کرده و با بررسی رویکردها در شبکه‌ای واحد، کنه پدیده را کشف می‌کنیم.

رویکرد تحلیل وجودی، مساوی با عملیات وجودشناسانه است که حرکت رو به بالا و پایین دارد؛ اولی به سمت صرف‌الوجود و دومی به سمت ذرات بنیادین پیش می‌رود. تحلیل در سه مرحله زبان، ذهن و خارج است؛ از این رو تعریف در سه رتبه لفظ، مفهوم و مصداق قابل بررسی می‌باشد.

۴-۱- تحلیل لفظی پدیده

گام اول در برخورد با یک پدیده، رویارویی با لفظ و تحلیل آن به کمک علم معناشناسی است؛ بدین منظور باید به کتاب لغت مراجعه کرد.^۱

۴-۲- تحلیل مفهومی پدیده

تعریف مفهومی، کشف تمایزها است. مفاهیم، ممکن است جزئی، کلی و یا اعتباری باشد که در ابتدا باید به دنبال مفاهیم جزئی رفت.^۲ فلاسفه برای تحلیل مفاهیم وجودی از علل اربعه استفاده می‌کنند و مفهوم را بر پایه علت مادی، صوری، فاعلی و غایی بررسی می‌کنند. از نظر برخی فلاسفه اگر در حد وجودی علل فاعلی و غایی ذکر شود، حد تام است و اگر

۱. مراجعه به کتاب‌های لغت دو شرط دارد: لغت‌دان خبره باشد و آن معنا را با حواس خود درک کرده باشد؛ از این رو کتاب‌هایی مانند صحاح جوهری و العین ابن منظور کتاب‌های پایه برای یافتن معنای لغوی است. در صورتی که لغت مربوط به زبان‌هایی است که ریشه و وزن دارد، این دو را با مراجعه به دستور زبان کشف می‌کنیم، سپس معنای ریشه و وزن را به دست می‌آوریم. در مرحله بعد باید اشتراک ریشه را با بقیه کلمات به دست بیاوریم، به گونه‌ای که بتوان میان ریشه و بقیه کلمات ارتباط برقرار کرد. ریشه در واقع مانند نخ تسبیح است که دانه‌های معانی را به هم وصل می‌کند. با مراجعه به کتاب‌های لغت، تضاد، اشتراک و تمایزات معنایی و لفظی در طول زمان مشخص می‌گردد. همچنین این لغت باید در دیگر علوم بررسی شود و به معنای ریشه تطبیق داده شود تا روح معنا به دست آید. (سلمان زاده، حسینی، ۱۳۹۵)

۲. انظر الی شخص محدود. (منطق منظومه، ص ۲۲۸)

فعل و آثار بیان شود، حد ناقص است. (صدر المتالهین، ۱۳۸۹، ج ۸ ص ۹۴)

۴-۳- تحلیل مصداقی پدیده

در این رویکرد ابتدا مصداق را از دیگر مصداقیق خارجی متمایز نموده و در مرحله بعد تمام ابعاد و جوانب آن را به صورت جزء به جزء بررسی می کنند. در مفاهیم کلی تر باید اجزاء و جزئیات را کشف کرد، چنان که منطبق ارسطویی با کشف جنس قریب و متوسط و عالی توسط مقولات عشر این کار را انجام می دهد.

اجزاء را باید طوری تجزیه کرد که دیگر تجزیه به جزء کوچک تر امکان نداشته باشد. رابطه های اثرگذار و اثرپذیر باید کشف گردد و با توجه به ماتریس درونی و ماتریس بیرونی، مفهوم از کوچک ترین نقطه به بالاترین نقطه در نظر گرفته شود.

این مراحل به شرح زیر است:

۱. مصداق خارجی را از دیگر همتایان خود جدا کنید.
۲. با حواس پنج گانه نقطه به نقطه مصداق خارجی را بررسی کنید.
۳. با تقسیم بندی مصداق اجزای اصلی را مشخص کنید.
۴. به مصداق از زاویه دیدهای مختلف نظر کنید تا تمام ابعاد آن مورد کاوش قرار گیرد.
۵. درون اجزا را طوری کاوش کنید که تمام اجزای آن برای شما مشخص شود.
۶. روابط بین اجزاء را به دست آورید.
۷. از خارج مصداق از دورنی ترین جزء به بالاترین جزء و عالم بالاتر آن را نظر کنید.
۸. آنچه را تصور می کنید ثبت کنید.
۹. با توجه به روابط درونی و بیرونی کل را توصیف می کنیم تا جایگاه آن مشخص گردد.

نتیجه‌گیری

منطق‌دانان تلاش زیادی برای کشف ذاتیات پدیده‌ها انجام داده‌اند، با این وجود به راه یقینی نرسیده‌اند؛ زیرا برای کشف حقیقت به بعضی از جوانب نظر داشته‌اند. بنابراین برای دست یافتن به این هدف لازم است منطق تعریف از حالت جزیره‌ای خارج شود و به صورت پازلی در آید و از این طریق، تمام سطوح پدیده‌ها بررسی شده و در یک بسته کامل ترسیم گردد.

با نگاه سیستمی می‌توان تعریف را مانند دیگر اجزای منطق، کارآمد کرد. برای شناخت همه‌جانبه پدیده باید آن را در سه سطح ذهن، زبان و خارج بررسی کرد. غفلت از هر کدام، سبب نقصان در فهم خواهد شد. با نگرش کلی و جامع می‌توان برای تعریف، منظومه‌ای نوین ترسیم کرد.

منابع و مآخذ

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۳)، الاشارات و التنبیہات، مع الشرح لنصیرالدین طوسی و شرح الشرح لقطب‌الدین رازی، تهران، [بینا].
۲. _____، (۱۹۹۳)، الحدود، رسائل منطقیه فی الحدود و الرسوم، عبدالامیر الاعسم، بیروت، دار المناهل.
۳. ارسطو (۱۳۶۶)، متافیزیک، ترجمه شرف‌الدین خراسانی، تهران، [بی‌نا].
۴. بنی‌اسدی، محمدحسین (۱۳۸۵)، «نگرش و روش سیستمی در حل مسائل سیستم‌های فرهنگی-اجتماعی»، ماهنامه چشم‌انداز ایران، صص ۲۸-۳۶.
۵. جی هینز، استیون (۱۳۹۵)، رویکرد تفکر سیستمی به برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک، تهران، نی.
۶. حسین زاده، محمد (۱۳۹۴)، معرفت‌شناسی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
۷. رضازاده، حسین، «مروری بر مفهوم سیستم»، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۵، برگرفته از <http://systems-thinking.blogfa.com/tag>
۸. رضاییان، علی، (۱۳۸۰)، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌ها، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۹. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۹۴) تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌ها، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۰. زوزنی، حسین بن احمد (۱۳۷۴)، کتاب المصادر، تهران، چاپ تقی ینش.
۱۱. سلمان‌زاده، جواد؛ حسینی، زینب‌سادات (۱۳۹۵)، «متدولوژی معناشناسی واژگان قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۹، صص ۱۳۶-۱۵۷.
۱۲. سبزواری، محمدهادی (۱۳۶۹)، شرح المنظومه، تهران، ناصری.
۱۳. سیادت، سید علی و ربانی، رسول (۱۳۸۱)، طراحی و تحلیل نظام‌های آموزشی، تهران، انتشارات آوای نور.
۱۴. شمس، منصور (۱۳۸۲)، آشنایی با معرفت‌شناسی، قم، انجمن معارف اسلامی ایران.

۱۵. صدرالمألهین، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱)، الاسفار الاربعه، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۶. علاقه‌بند، علی (۱۳۹۱)، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، چاپ ششم، تهران، نشر روان.
۱۷. غزالی، محمد (۱۹۹۴)، محك النظر، تحقیق رفیق العجم، چاپ اول، بیروت، دار الفكر اللبناني.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
۱۹. قبادی، شهلا (۱۳۹۵)، سیستم دینامیک (کاربرد از تفکر سیستمی)، چاپ ششم، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۲۰. کیدوری، امیرحسین و دیگران (۱۳۹۱)، «مفهوم‌پردازی توسعه برنامه‌های میان‌رشته‌ای از منظر پیچیدگی سیستم دانشگاهی»، مطالعات برنامه ریزی آموزشی، صص ۱۳۱-۱۶۰.
۲۱. مختاری، قاسم (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر تفکر سیستمی، ویرایش ششم، تهران، انتشارات بعثت.
۲۲. مرعشی، سید جعفر، بلیغ، وحید؛ غیاث‌آبادی، علی (۱۳۸۵)، تفکر سیستمی و ارزیابی کارآمدی آن در اداره جامعه و سازمان، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۲۳. مظفر، محمدرضا (۱۴۲۶ ق)، المنطق، تحقیق شیخ الرحمتی اراکی، تعلیق غلامرضا فیاضی، چاپ چهارم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۴. واسطی، عبدالحمید (۱۳۸۸)، نگرش سیستمی به دین، چاپ پنجم، مشهد، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
25. Behl, D. V. & Ferreira, S. (2014), "Systems Thinking: An Analysis of Key Factors and Relationships", *Procedia Computer Science*, Vol.36, pp.104-106.
26. Jackson, M. C. (2003), *Systems Thinking: Creative Holism for Managers*, England, John Wiley & Sons Ltd.